

مطالعه تطبیقی شرایط اجتماعی - سیاسی تأثیرگذار بر شکل‌گیری «کمدی الهی» دانته و «معراجنامه»

ادهم ضرغام^۱، ندا عظیمی^{۲*}

۱. استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸

دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱

نصلاً نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دوره ۴، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۵، صص ۲۷-۵۸

چکیده

کمدی الهی و **معراجنامه** متعلق به دو باور دینی، با رویکرد دینی، اخلاقی و آموزشی است که هدف آن‌ها کمک به خروج انسان از نگون‌بختی‌های جهان فانی و گشودن راه سعادت است. موضوع این آثار، سفر انسانی وارسته به عالم فرامادی، دیدن پاداش و پادافره انسان‌ها در بهشت و دوزخ و انتقال آن به مردم، پس از بازگشت دوباره به دنیاست. این پژوهش به شیوه استقرایی با مطالعه تطبیقی زمینه‌های اجتماعی-سیاسی تأثیرگذار بر شکل‌گیری این سفرهای معنوی و تأثیر اسلام و آثار ادبی اسلامی بر جوامع اروپایی قرون وسطی و دانته، انجام شده است. شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است. مقایسه‌ی نمونه‌های پاداش و عذاب برگزیده از کمدی الهی و معراجنامه‌هایی مانند **معراجنامه** شاه‌رخ، **معراجنامه** ابن سینا، روایات معراج و غیره و نیز تحلیل وقایع و شباهت ساختار سفر و موضوع هر دو اثر، بر تأثیر این آثار بر دانته، تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: اوضاع اجتماعی-سیاسی، اسلام، **معراجنامه**، **کمدی الهی**

E-mail:nd.azimi@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:

مقدمه

موضوع این پژوهش، تطبیق دو اثر بسیار ارزشمند است که به دو باور دینی و جهانی پیوند خورده است. ادبیات تطبیقی، جریان‌های فکری و هنری ادبیات ملل، نقاط وحدت فکری و روابط تاریخی بین آن‌ها را، روشن می‌کند. «ادبیات تطبیقی، جنبه‌های برخورد میان ادبیات ملی هر یک از ملت‌ها و ادبیات سایر ملل را با تبیین جنبه‌های تأثیر و تأثر بررسی می‌کند و در همه این‌ها از اموری کمک می‌گیرد که سندهای تاریخی برخورد این ملت‌ها را تأیید می‌کند.» (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۹-۱۴) دانته در خلق کمدی الهی، علاوه بر اساطیر قدیم یونان و روم و عرفان و الهیات ادیان یهودی و مسیحی، از عقاید معنوی و کمالات دینی مسلمانان نیز بسیار بهره گرفته است. دوران زندگی او مقارن بود با اواخر قرون وسطی، یعنی دورانی که حکمت و عرفان عیسویان قرون وسطی و مسلمانانی که با آنان مراد شده و در آن‌جا می‌زیستند، به هم بسیار نزدیک شده و با هم درآمیختند. مسئله اصلی این است که با وجود جنگ‌های صلیبی و آشوب‌ها و اختلافات جامعه ایتالیای آن روز، شرایط اجتماعی و مسائل سیاسی چه تأثیری بر دانته در انتخاب چنین موضوعی برای شاهکار خود داشته است؟ آیا شرایط اجتماعی - سیاسی بر سفر معراج پیامبر (ص) نیز تأثیرگذار بوده است؟ به دلیل اهمیت موضوع، محقق بر آن شد تا با مطالعه آثار تأثیرگذار بر دانته، به بررسی روایات معراج نیز پرداخته و با بررسی تطبیقی میان آن‌ها، هم از لحاظ محتوایی و سیر سفر و هم از نظر تأثیر مسایل اجتماعی - سیاسی که می‌توانست در خلق آن‌ها مؤثر باشد، شباهت‌های آن‌ها را آشکار سازد.

پیش از این، مطالعاتی تطبیقی درباره سفرهای روحانی به جهان پس از مرگ در آثار گوناگونی صورت گرفته است. گاهی تنها شرح وقایع بوده و در برخی نیز به بررسی شباهت‌ها و تمایزات بین ساختار اشعار، نوع ادبی و سبک نگارش آن‌ها، شگردروایی، مقایسه ترکیب و مسیر داستان و گاهی نیز، از منظر عرفانی پرداخته شده است. به عنوان نمونه می‌توان به مقاله «بررسی تطبیقی رساله الغفران، کمدی

الهی و آفرینگان» اثر نرجس توحیدی‌فر و «بررسی چهار سفر روحانی و معنوی به دنیای پس از مرگ» اثر ماندانا صدرزاده اشاره کرد. اهمیت این پژوهش بدین خاطر است که بررسی شرایط اجتماعی-سیاسی تأثیرگذار در شکل‌گیری کمدی الهی و *معراجنامه* را هدف قرار داده و با تطبیق نمونه‌های پاداش و عذاب در دوزخ و بهشت و کشف شباهت‌های دو سفر، سعی بر اثبات تأثیرپذیری آن دارد. به نظر می‌رسد علاوه بر مباحث عرفانی و دینی، مسایل اجتماعی - سیاسی دوران نیز، که بخشی از آن نشأت گرفته از ارتباط میان مسلمانان و مسیحیان بود، در روند شکل‌گیری این شاهکار مؤثر بوده است. داده‌های این پژوهش از طریق بازبینی اسناد و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و از شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی برای نایل آمدن به نتیجه بهره گرفته است. جامعه آماری، اروپای قرون وسطی و کشور ایتالیا و همچنین عربستان در زمان رسالت حضرت محمد (ص) را شامل می‌شود.

۱. شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، اقتصادی اعراب دوران رسالت رسول (ص) شبه‌جزیره عربستان که دارای صحرای وسیع، شنزار و کم‌آب است، به گفته ژنرال سایکس رونق آن بیشتر در تجارت با شرق بوده است تا محصولات داخلی خود. حتی در زمان‌های خیلی قدیم در حدود قرن ۱۰ ق.م ادویه‌جات، طاوس و میمون هندوستان از راه دریا به سواحل عمان حمل شده و از آن‌جا از راه مکه و پترا به غزه عبور می‌کرد و مکه بدین طریق مرکز آمد و رفت بازرگانان و قوافل زیاد بود (سایکس، ۱۳۸۰: ۶۹۹). این کشور، خود، دائم به غارت مشغول بود، در صحرا قانونی جز زور و شمشیر نبود. اعراب قبل از اسلام نمونه کامل انسان طمع‌کار و علاقمند به مادیات و در ربودن اموال دیگران حدّ معینی قایل نبودند. در کتاب *تاریخ کامل* ابن اثیر نمونه‌های بسیاری از جنگ‌های اعراب نقل شده است. به هر حال عوامل مختلف مانند جهل و تنگی معیشت، نداشتن نظام صحیح زندگی، وحشی‌گری، تنبلی و دیگر رذایل اخلاقی، محیط عربستان را به نحو بارزی تاریک کرده و به تدریج امور شرم‌آوری را، معمول و قانونی ساخته بود. غارت، قمار، ربا، به اسارت درآوردن

افراد، باده‌گساری متداول بود. بت‌پرستی دین رایج اعراب بود. اعراب یک زندگی قبیله‌ای داشتند و این قبایل از هر لحاظ از هم جدا بودند، آداب و رسوم آن‌ها با هم تفاوت داشت. هیچ‌گونه حقوق و احترامی نسبت به قبایل دیگر نداشتند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۰). در میان چنین قبایلی، فرهنگی که نقاط مشترک آن‌ها را در خود جمع کرده و آن‌ها را گرد اندیشه و هدفی واحد متحد گرداند وجود نداشت. در کنار کعبه و حتی در هر خانه‌ای، هر قبیله بتی مخصوص به خود داشت. بنابراین چیزی جز تفرقه در آن‌جا یافت نمی‌شد. بنابراین روحیه‌ی فردگرایی در میان آن‌ها حکم می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۵۶). ظلم و تعدی، انحرافات جنسی و سایر رفتارهای زشت و ناهنجار که در تاریخ ثبت شده و از اشعار اعراب جاهلیت هویداست، از دیگر خصایص این قوم بود. عمل زنده به گورکردن دختران را به غیرتمندی و شجاعت را در سفاکی، غارتگری، شبیخون زدن تفسیر می‌کردند (رسولی محلاتی، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۰).

در مورد بت‌پرستی آنان در کتاب *سیره ابن هشام* آمده است که: «پس عرب بعد از آن که رسم بُت پرستیدن نهاده بودند، طواغیت را نیز بر پای کردند و آن را چون کعبه معبدگاه خود ساخته بودند و طواغیت خانه‌ها بود که هر قومی بزرگ از عرب یکی از آن برداختند... و آنرا به جای کعبه می‌پرستیدند...» (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۵۶). ابن خلدون در مورد قریش می‌گوید: «... بت و سنگ می‌پرستیدند... چون خداوند اراده فرمود که در جهان آشکار شوند و از پستی به جانب شرف گردن افرازند دین خدا در میان آنان پدید آمد... و اعمال و رفتار پلیدشان به نیکی بدل گردید...» (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۳۸۰-۳۷۹). بدین ترتیب، گسترش اسلام بیش از پیش مایه وحشت قریش از سرنگونی نظام شرک شد و در نتیجه در برابر پیامبر (ص) ایستادگی می‌کردند، در حالی که رسول خدا اسلام را مایه سعادت هر دو جهان آن‌ها معرفی می‌کرد. اما قریش با نقشه‌های ظالمانه و مقاومت‌های خود دست به آزار وی می‌زدند. پیامبر

برای اثبات دعوی خویش به اذن خدا دست به معجزه می‌زد. یکی از معجزات حضرت رسول اکرم واقعه معراج بود که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۱.۲. واقعه معراج رسول (ص)

نخستین آیه‌ی سوره‌ی اسرا اشاره دارد به سفر شبانه‌ی حضرت رسول‌الله (ص) از مسجدالحرام به مسجدالأقصی که مقدمه‌ای برای معراج بود. البته در تاریخ دقیق آن بین مورخان اسلامی اختلاف نظر است. برخی آن را در سال دهم بعثت شب ۲۷ رجب، برخی نیز آن را در سال دوازدهم شب ۱۷ رمضان و بعضی آن را در اوائل بعثت ذکر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۱۲: ۱۴). سوره نجم را نیز سوره معراج گویند، چرا که در آیات ۱ تا ۱۸ آن خلاصه سفر معراج و اهداف آن بیان شده است. پیامبر در این سفر معنوی چهار مرحله را طی کرده است: «۱- سیر زمینی از مکه تا بیت المقدس. ۲- از زمین تا افق اعلی با هیکل بشری. ۳- به افق بالا/ ثَم دنی! ۴- به افق برتر از آن‌جا، یعنی مقام «فَتَدَلّی» که در این مرحله حتی هیچ‌یک از روحانیان نتوانستند با او همگام شوند.» (ادیب بهروز، ۱۳۷۹: ۲۲۱-۲۲۰). در این‌جا بود که جبرئیل امین گفت: «اگر به اندازه‌ی سرانگشتی نزدیک شوم به آتش کشیده شده می‌سوزم.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲۲: ۴۹۷). در برخی روایات آمده است: «پیامبر در مورد درخت سدره فرموده‌اند که درخت بزرگی بود که مانندش را ندیده بودم که هر شاخه‌ای از آن فرشته‌ای بود و بر هر برگی از آن ملکی و پاره‌ای از انوار عظمت خدا به او جلالتی داده بود...» (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۲۸۸-۲۸۶)

۱.۳. شرحی بر معراجنامه

در مورد نسخه‌ای از معراجنامه به زبان فارسی، بیشتر نسخه‌ها، این اثر را به ابن سینا، برخی هم آن را به سهروردی، نسبت داده است. البته باید گفت تصنیف این اثر، هم‌زمان با دوران زندگی ابن سینا بوده است. این کتاب طرح معمول برای سفر



آسمانی نفس در معراج آن به سوی وطن اصلیش را، به تصویر می‌کشد. این همان خط سیری است که در سفر رساله الطیر ابن سینا در پیش گرفته شد (کربن، ۱۳۸۹: ۳۲۰).

طبق پژوهش‌های کریستی گروبر، معراجنامه‌ای به زبان فارسی از دوره ایلخانی با استقلال موضوعی وجود دارد که هم اکنون در کتابخانه توپکاپی‌سرای ترکیه نگهداری می‌شود و احتمالاً متعلق به ۱۲۸۶/۵۶۸۵م است؛ نام نویسنده آن مشخص نیست و عنوان مشخصی نیز ندارد؛ اما حاوی آیاتی از قرآن است که بر روایات مفصل بعدی صحه می‌گذارد (گروبر، ۱۳۸۵: ۹). در میان نسخه‌های خطی شرقی کتابخانه‌ی ملی پاریس نیز، معراجنامه‌ای مُزین به سه زبان عربی، ترکی و اویغوری، وجود دارد که بر اساس صفحات پایانی آن به سفارش «شاهرخ میرزا» (۸۵۱ - ۵۸۰۷/۱۴۷۴-۱۴۰۴م) تهیه شده است. بخشی از کتاب، تحت شماره Sup.Turc.190 در بخش ملحقات ترک کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. متن نسخه معراجنامه با ۶۱ تصویر، مذهب به زبان ترکی خاوری خاقانی توسط «میرحیدر» شاعر، ترجمه و به خط «اویغوری» از هرات خوشنویسی شده است (دشت گل، ۱۳۸۳، ۶۸). نسخه‌ی خطی و مصور دیگری متعلق به یک قرن پیش از آن، معراجنامه منسوب به «احمد موسی» است در زمان سلطنت ابو سعید ایلخانی استنساخ و مصور شده است و شامل ۱۰ نگاره‌ی از متن جداشده است که در مجموعه «مرقعات بهرام میرزا» تحت شماره H 2154 در کتابخانه توپکاپی‌سرای نگهداری می‌شود (سمسار، ۱۳۷۷، ج ۷: ۸۸).

معراجنامه میرحیدر در دوران حیات خود به شهرها و کتابخانه‌های بزرگ وارد شده و به دست دانشمندان، صاحب نظران و زبان شناسان بی‌شمار، مطالبی برای رمزگشایی آن نوشته شده است. این شاهکار چندزبانه نخستین بار در سال ۱۶۷۳م به وسیله مترجم کتاب هزار و یک شب (Antoine Galland (1715- 1646م)، از شرق‌شناسان و مجموعه‌داران در قسطنطنیه خریداری و به وسیله سفیر فرانسه

Charles-francois Olier به فرانسه منتقل و در کتابخانه کلبه Colbert محفوظ است. نویسنده قرن ۱۸م، با نام-1713) Chargea François Petis de la Croix (1653م) با توجه به ابهاماتی که در رمزگشایی این دست نوشته با آن روبه‌رو شد، رساله‌ای از ترجمه مفاهیم متن ترکی کتاب و نقاشی‌های آن ارائه داد. یک قرن بعد چین‌شناس معروف (1832-1788) Remusat Abel (م)، موفق به رمزگشایی چند بخش از متن معراجنامه شد. در سال ۱۸۲۰م نیز شخصی بنام Pavet de Courtelle ترجمه فرانسوی کتاب را انتشار داد و یک قرن بعد Marie-Rose.Seguy کتاب Miraj – Nameh را در سال ۱۹۷۷م منتشر کرد (دشت گل، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹).

یکی از اهداف این پژوهش آن است که بخش‌هایی از این سفر را که نشان‌دهنده تأثیر مسائل اجتماعی-سیاسی و رفتار و گفتار اعراب است، مشخص سازد. لذا به طور خلاصه به چند مورد تأثیرگذار اشاره می‌شود. اعراب به ویژه قریش، در سه سال اول دعوت غیرعلنی رسول (ص) زندگی پرعیش و نوشی داشتند. وقتی پیامبر رسالت خود را به عنوان یک فرد اُمّی برای ایجاد شریعتی نو آغاز کرد، نتوانستند بپذیرند و تلاش می‌کردند دستاویزی برای آزار و اذیت او بیابند. ابوسفیان هرگاه از ماهیت دعوت پیامبر آگاه می‌شد، لبخند تمسخرآمیزی می‌زد و می‌گفت شعله‌ی این تبلیغ به زودی خاموش خواهد شد. ولی پیامبر در زمان دعوت علنی، به شدت به انتقاد از بتان و آیین‌ها و روش‌های ضدانسانی پرداخت و بدین ترتیب قریش نیز مخالفت‌ها و مبارزات سرّی و علنی خود را آشکار کرد. قریشیان آشکارا به ابوطالب گوشزد کردند تا محمد (ص) را از تبلیغ دین خود بازدارد و گرنه با او و محمد به مبارزه بخواهند خواست. ولی وقتی دیدند راه به مقصد نمی‌برند، به محمد پیشنهاد مناصب، ثروت، قدرت، هدایا، زنان زیبا و... دادند تا وی را تطمیع کنند (سبحانی، ۱۳۶۳: ۲۶۷-۲۵۵). بنابراین با توجه به بهانه‌تراشی‌های قریش و مشرکان برای عدم پذیرش دعوت پیامبر، تا جایی که درخواست‌های عجیبی از پیامبر داشتند تا از خدا بخواهد در آن سرزمین ریگ‌زار و خشک، آب‌هایی روان سازد، یا آسمان را قطعه



قطعه بر سر آن‌ها فرو ریزد، خدا و فرشتگان را حاضر کند، به سوی آسمان رفته و از آن‌جا نامه‌ای بیاورد تا تصدیقی بر نبوتش باشد و... (سبحانی: ۲۹۴ و جعفریان: ۳۳۴)، مشیت الهی بر آن قرار گرفت تا پیامبر به معراج رفته، جلوه‌هایی از بهشت و دوزخ، عذاب الهی، پاداش نیکوکاران، فرشتگان تسبیح‌گوی پروردگار و... را ببیند و آیات بزرگ الهی را به عنوان سند و مدرکی دال بر رسالتش به آنان بازگو کند. از سوی دیگر، ابن هشام مواردی از واقعه‌ی معراج آورده است که می‌توان گفت با شرایط اخلاقی و فساد حاکم بر اعراب، رباخواری، ظلم و تعدی به اموال دیگران به ویژه یتیمان و زنبارگی اعراب جاهلی مرتبط است. از جمله این‌که پیامبر (ص) شاهد جماعتی بوده که در دنیا مال یتیمان را به ظلم و زور خورده بودند^۱ و در دوزخ به عقوبت آن، «سنگ‌پاره‌های آتشین را می‌خوردند و این سنگ‌ها از زیر ایشان بیرون می‌آمد.» و نیز می‌گوید «جماعت رباخوار را مشاهده کرد که شکم‌هایشان بزرگ شده و برآمده بود و آنان را در راه عبور فرعون می‌نشانند و هرگاه قوم فرعون را از دوزخ بیرون می‌آوردند همچون اشتران تشنه بر آنان می‌تاختند.» و از زنانی یاد کرده است که در حق شوهران خویش خیانت کرده و مردان بیگانه را برگزیده بودند و به عقوبت آن از سینه خویش آویزان شده بودند (ابن‌هشام، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۲۰۱). مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام به نقل از صحیح بخاری از انواع ازدواج در دوره جاهلی مانند ازدواج رهط (مشارکتی یا گروهی)، استبضاح (همسر خود را در اختیار مردی دیگر قرار دادن) و... یاد کرده که موارد یادشده جزء ازدواج‌های نامشروع بودند و اسلام با آن مخالف بود. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۸۷). آنچه پیامبر در شب معراج از عقوبت این نوع خیانت‌ها دیده بود، برای اصلاح زندگی زناشویی و اخلاقیات جامعه برای اعراب بازگو می‌کرد.

ادیب بهروز به نقل از کافی، بحار، المیزان و... آورده است که: «از آیاتی که خداوند در سفر اسراء به محمد (ص) نشان داد این بود که تمام پیامبران و رسولان را از اولین و آخرین محشور کرد... محمد (ص) در پیشاپیش به نماز ایستادند و آن‌ها

با وی نماز جماعت خواندند... گفتند: گواهی می‌دهیم که معبودی جز خدای یگانه نیست، که شریکی ندارد و تو رسول خدایی بر این مطلب، از ما عهد و پیمان گرفته شده است.» و نیز از سیدمحمد باقر حجتی نقل می‌کند که این سفر بدین جهت بود تا میان عقاید مهم مربوط به توحید، از زمان حضرت ابراهیم تا محمد (ص) ارتباط برقرار کنند (ادیب بهروز، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۲) و «چون سرزمین قدس محل پیدایش و بعثت بسیاری از پیامبران الهی بود، بردن پیامبر (ص) در یک سفر ملکوتی به آن‌جا نشانگر اتحاد ادیان توحیدی است با هم، در اصل و ریشه.» (شاهرودی، ۱۳۷۹: ۱۴۹).

لازم به ذکر است که قوم یهود به دلیل فشارهای واردشده به آنان از طرف حکومت روم و نیز به دلیل آگاهی آنان از ظهور پیامبر (ص) که تورات وعده داده بود، به این سرزمین هجرت کرده بودند، ولی از آن‌جا که پیامبر وعده داده شده، از بنی اسرائیل نبود، به او ایمان نیاورده و از در ناسازگاری با وی درآمدند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۰۴-۲۰۲).

از طرفی دیگر، وجود و فعالیت مسیحیان در این منطقه بود که داستان مباحثه حکایت از برخورد پیامبر با مسیحیان دارد. نکته مهم اینجاست که اصولاً اسلام، اساس دعوت خویش را بر دعوت ابراهیم نهاد و خط و مشی آن را دنبال کرد. در اصل گرایش حنیفی در جاهلیت، زمینه‌ای شد تا پیامبر دین جدید خود را به صورت دینی آشنا برای مردم جاهلی درآورد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۵۴-۲۵۳). اما از زمان رسالت پیامبر ۱۲ سال سپری شده بود و همچنان اسلام فراتر از مکه نرفته بود و بدین ترتیب سفر معراج، نقطه عطفی بر تحول مسلمانان بود و به نوعی اعلان هشدار به کفار و قریش و یهود و مسیحیت بود تا به آن‌ها بفهماند که بزودی اسلام به مرکز مسیحیت و یهود کشانده خواهد شد (شاهرودی، ۱۳۷۹: ۱۵۰).

نکته مهم دیگر، اعلام وصایت علی(ع) است در آغاز رسالت، که گواه بر عدم جدایی منصب امامت از رسالت رسول‌الله است و مخالفت و عناد مشرکان را آشکار می‌سازد. به همین دلیل در سفر معراج از پیامبر (ص) درباره وزیر و وصی او سؤال می‌شود و پیامبر در مورد آن از خداوند کسب تکلیف می‌کند و به او وحی می‌شود:



«ای محمد از آدمیان برایت علی بن ابیطالب را برگزیدم... و پیامبر پرسید: پسر عمویم را؟ پاسخ می‌شود که: همانا علی، میراث بر توست... و هم او پرچمدار تو خواهد بود...» (ادیب بهروز، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

۲. اوضاع سیاسی- اجتماعی ایتالیا در اواخر قرون وسطی

وضعیت سیاسی- اجتماعی اروپای قرون وسطی در شناسایی *کمدی الهی*^۲ بسیار تأثیرگذار است. در این دوران، مغرب زمین، به جز بخش بیزانس و اسپانیای تحت تسلط مسلمانان، در جهل و اختلافات بسر می‌برد و تقریباً تمام اروپا به سرزمین‌های مستقل کوچک تحت تسلط فئودال‌ها تقسیم شده بود. در ایتالیا، پاپ و دست نشانندگان قدرتمندشان می‌توانستند از هرگونه وحدت جلوگیری کنند. فردریک دوم (۱۲۵۰-۱۱۹۴م) در سال ۱۲۲۰م به مقام امپراتوری رسید و در ایتالیای جنوبی و سیسیل، دولت‌شهرهایی با فرمانروایان مستبد سامان داد. او با دولت‌های اسلامی و شیوهی اداره‌ی آنها و زندگی پاپ‌ها و نزاع بر سر زندگی و قدرت، آشنایی نزدیک داشت و برای از میان برداشتن دولت‌های ملوک‌الطوایفی و تبدیل ملت به توده‌ی مالیات دهنده، تلاش می‌کرد (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۲۶-۱۸).

«انکیزیسیون» یا همان تفتیش عقاید و اعمال زور توسط اُسقف‌ها علیه ملحدان وجود داشت. هر اسقفی در قلمرو خود یک محکمه شرعی داشت و از این طریق صاحب منصبان مذهبی منطقه خود را تحت نظر می‌گرفتند و به جستجوی ملحدان می‌پرداختند. محاکم تفتیش عقاید تقریباً در تمام اروپا به جز انگلستان مستقر شدند. در انگلستان، چون کاتارهای^۳ فراری را زندانی می‌کردند، نیازی به محاکم تفتیش عقاید نبود (تستا، ۱۳۷۹: ۲۵-۹). تفتیش عقاید در دولت فردریک نیز جزء جدایی‌ناپذیر حکومت بود. گرایش به کامروایی و خودخواهی و نیز توطئه‌ی دشمنان خارجی و قدرت دروغین فرمانروایان مستبد، موجب بی‌دوام بودن حکومت آن‌ها شده بود و در دربار، خیانت، خونریزی و نزاع بر سر قدرت، حاکم بود. آثار نویسندگان فلورانس در

آن دوران آکنده از انزجار شدید از این اوضاع بود و شکوه جامه‌های زربفت فرمانروایان مستبد را به باد استهزاء می‌گرفتند (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۲۶ - ۱۸).

فردریک دوم که از طرف پاپ طرد دینی شده بود، به اسلام و فرهنگ اسلامی تمایل بسیار داشت، فردریک را به جرم گفتگو با بی‌دینان (مسلمانان) و راه دادن مسلمانان به قدس، خائن و لکه‌دار کننده مذهب، شیطان زده و ضد مسیحیت و... می‌دانستند (هونکه، ۱۳۸۳: ۴۵۰). او در سال (۱۱۹۷) در سن سه سالگی به سلطنت سیسیل رسید و در سال (۱۲۲۰) سیمت امپراتور مغرب را دریافت کرد. او در تمام مدت حکومت خود با پاپ جنگید و از طرف او تکفیر شد. در دوران او فرهنگ اسلامی - مسیحی در سیسیل به اوج اعتلاء رسید (ستاری، ۱۳۷۰: ۷۷). از آنجایی که از حامیان مسلمانان بود، دانه وی را در طبقه ششم دوزخ در میان اهل زنادقه قرار داده است. به فرمان فردریک، دانشگاه ناپل، نخستین دانشگاه اروپا در سال (۱۲۲۴م) تأسیس، کتب زیادی به دانشگاه اهداء و تألیفات ارسطو و ابن رشد، ترجمه و تدریس می‌شد. بدین طریق پل ارتباطی میان فرهنگ اسلام و شبه‌جزیره ایتالیا و در نتیجه اروپا ایجاد شده بود. برخی ساکنان جزیره یونانی و برخی مسلمان و عرب زبان و گروهی نیز دانشمندانی بودند که لاتینی می‌دانستند. این سه زبان در متون رسمی و فرمان‌های سلطنتی و نیز در میان مردم پالرمو رایج بود. یهودیان سیسیل نیز در کار ترجمه سهم بسزایی داشتند (ستاری، ۱۳۷۰: ۸۰ - ۷۸). در قرون وسطی، تجار برخی از بنادر ایتالیا، علاقه زیادی به امور شرقی و مطالعه‌ی رسوم و آیین‌های اسلامی و غیر اسلامی آسیای نزدیک داشتند. تاریخ مستند ذکر می‌کند که در سال ۱۲۴۷ و بعد از آن دولت ژن برای زبان مسلمانان مترجم رسمی اختیار کرده و حتی اسقف همان شهر، مترجم شخصی داشته که با چند لهجه‌ی عربی آشنا بوده است. از طرف دیگر، نباید مارکو پولو جهانگرد ونیزی قرن ۱۳ را نادیده انگاشت. وی مدتی در دربار امپراتورهای مغولی بود، چند ماه نیز در دربار شاهی تبریز بسر برد و چه بسا بعضی از مورخین ایرانی را دیده باشد. همچنین، راهب دومینیکان^۴ از معاصران

مارکوپولو، که بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۴۳م می‌زیست، در اواخر قرن ۱۳، شش ماه در ایران اقامت کرد و بعد راهی بغداد شد. وی اسلام را خیلی بهتر از مارکوپولو می‌شناخت، زبان عربی را آموخت و اندکی بعد به زبان عربی سخنرانی عمومی کرد. وی به ترجمه قرآن اقدام کرد و در مدارس نظامیه و مستنصریه بغداد، نزد علمای مسلمان، علوم اسلامی را آموخت. در تشکیل و تکامل علم مسیحی و فلسفه قرون وسطی که مهمترین نمایندگان ایتالیایی بودند، فلسفه‌ی اسلامی نقش مهمی ایفا کرده است. توماس آکویناس بزرگترین فیلسوف قرون وسطی که کاتولیک‌ها او را معلم مطلق فلسفه کلاسیکی می‌دانند، کسی است که تحت تأثیر ابن سینا بوده و در مجادله‌ای که بر علیه فلسفه ابن رشد نموده، در بعضی جاها حتی حرف به حرف بعضی از جملات ابن سینا را تکرار نموده است (بوزانی، ۱۳۳۶: ۱۲۲-۱۱۹).

جنگ‌های صلیبی نیز تأثیر بسزایی بر تاریخ اروپای قرون وسطی داشت. این جنگ‌ها از سال ۱۰۹۶م آغاز شد و آخرین جنگ صلیبی نیز در اوایل قرن ۱۳ به رهبری ونیزی‌ها و کمک نیروی دریایی آن‌ها صورت گرفت. در جنگ‌های صلیبی، به مرور زمان کلیسا با تحریض مسیحیان به نجات ارض قدس، جنگ‌های صلیبی را خداپسندانه معرفی نمود و در عین حال جوامع را از دست نظامیان بی‌شغل، کارگران بیکار و روستاییان ورشکسته رها کرد. پس باید افزود که جنگ‌های صلیبی موجبات نیرومند مادی و دنیا پسندانه‌ای نیز داشت، که عامل استقرار ثبات و تعادل در حکومت‌های غربی گردید و در این رهگذر به تمرکز قدرت در دست کلیسا و رؤسای حکومت‌ها کمک کرد... (ستاری، ۱۳۷۰: ۱۲۷-۱۲۲). همچنین این جنگ‌ها سبب ارتباط دریایی بین شرق و غرب و موجب زوال قدرت فنودال‌ها گردید و نیز موجب آشنایی اروپاییان با کشاورزی جدید شرقیان شد. در قرون وسطی، فرهنگ و دانش در اختیار کلیسا بود، جهل کشنده، حتی بر طبقات ممتاز جامعه تسلط داشت، دهقانان و صنعتگران مطلقاً سواد نداشتند. آموزش بطور کلی در مدارس به زبان لاتین انجام می‌گرفت و برای مردم عادی غیر قابل فهم بود. کلیسا تحقیقات علمی آزاد را برای

اقتدار خویش خطرناک می‌دید از این رو دانشمندانی را که در جستجوی راه‌های جدید دانش بودند مورد تعقیب قرار می‌داد. در طی قرن ۱۲ و ۱۳ دربار پاپ قدرت و نفوذ فراوان کسب کرد، پاپ اینوسان سوم، برای پاپ‌ها مقامی والا قائل بود. ثروت پاپ‌ها از راه‌های گوناگون افزایش می‌یافت. یکی از منابع عمده عواید پاپ‌ها، تجارت (آمرزش گناه) بود. کلیسا و پاپ با فروش الواح «بخشایش» که گناهکاران را از عقوبت نجات می‌داد، ثروت کلانی اندوخت و به مرکز حیات روحانی و سیاسی سراسر اروپای غربی مبدل شد (راوندی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۳۲-۳۲۷).

بر عکس اروپای قرون وسطی، سال‌ها پیش از آن، اسلام تأکید داشت هر مسلمان می‌بایست روزانه آیاتی از قرآن بخواند و بفهمد و عمل کند، بدین جهت مدارس را بوجود آورد تا افراد نسبت به دین اسلام آگاهی پیدا کنند. در کشورهای اسلامی بچه‌های طبقات مختلف به مدارس ابتدایی می‌رفتند. مثلاً در اسپانیای اسلامی اضافه بر هشتاد مدرسه‌ای که در قرطبه وجود داشت، الحاکم دوم در سال ۹۶۵م بیست و هفت مدرسه دیگر هم برای افراد بی‌بضاعت ساخت (هونکه، ۱۳۸۳: ۴۰۰ - ۳۹۹).

۱.۲. نفوذ اسلام در ایتالیا و تأثیرات آن بر مسیحیت

با استیلای اعراب بر اروپا، مدیترانه‌ی غربی شکل اسلامی به خود گرفت. نعمت‌های فراوان کشورهای اسلامی به نفع شهرهای دریایی ایتالیا بود. ونیزیان در عین محاربه با مسلمانان، با آنان داد و ستد هم داشتند. «دانشمندان اسلامی بوسیله‌ی ترجمه‌هایشان، بسیاری از آثار عتیقه یونان را از مفقود شدن کامل نجات دادند، آثاری که اروپا هرگز بدون مسلمانان، به آن‌ها دسترسی نمی‌یافت. کتاب‌های علم تشریح جالینوس، آثاری درباره مکانیک و ریاضیات از هرون، فیلو و منلائوس، آثاری از بطلمیوس و...» (هونکه، ۱۳۸۳: ۳۸۹ - ۳۸۸).

نقش تأثیرگذاری اسلام بر اسپانیا و اندلس را نیز نباید نادیده انگاشت، حاصل این تأثیر، آمیزش دو فرهنگ اسلامی و مسیحی بود، که در همه شئون مادی و معنوی،

سبک زندگی، پوشش، زبان، عرف و آداب مشهود بود. به تدریج شعر و هنر و ادب اسلامی، زبان عربی، تعدد زوجات و داشتن حرمسرا و... همه باب روز شد. از آنجا که عناصر غیر مذهبی و دنیوی کاملاً عربی، از برخی جهات بر عناصر منحصرأ مذهبی غالب بود، بنابراین جامعه اسپانیا، آن را تنها اسلامی و مذهبی نمی‌دیدند، تا به خاطر آیین و مذهبی دیگر، آنرا خصمانه، بیگانه و یا تحمیلی بدانند (ستاری، ۱۳۷۰: ۶۶ - ۶۴). گفتیم که تحت حمایت فردریک دوم، جویبارهای انتقال میراث اسلام از سیسیل و اسپانیا به هم پیوست. در دربار وی نفوذ فرهنگ عربی بیش از یونانی بود و حتی بعد از دیدار فردریک از شرق و توسعه‌ی روابط فرهنگی و سیاسی با فرمانروایان شمال آفریقا و شرق نزدیک، این نفوذ تشدید شد و تا شمال ایتالیا و آلمان و پرووانس گسترش یافت. کتابخانه وی مملو از کتب یونانی و عربی بود و خود او از طریق مکاتبه با آگاهان علوم عربی - اسلامی تماس داشت و در مباحث ریاضیات، فلسفه و... به آنها ارجاع می‌داد. وی به شخصه به فلسفه اسلامی علاقه عمیقی داشت. افکار ابن سینا، بیشتر از ابن رشد در وی مؤثر بود. مایکل اسکات چهره تابناک علم و تفکر دربار فردریک بود که حلقه‌ی اتصال دربار او در سیسیل و مرکز بزرگ ترجمه در طلیطله (تولدو) به شمار می‌رفت. اسکات چند تا از شروح ابن رشد بر آثار فلسفی ارسطو و نیز بخش‌هایی از کتب ابن سینا و... را ترجمه کرد (احمد، ۱۳۵۷: ۸۱۶-۸۱۳). وی برای فردریک دوم کتاب *الحيوان* ابن سینا و شرح معروف ابن رشد بر ارسطو را ترجمه کرد (هونکه، ۱۳۸۳: ۴۸۷).

۲-۲- نمونه‌های ادبی اسلامی تأثیرگذار بر دانته

عزیز احمد در مورد آشنایی دانته با اسلام بنا بر نظریات مینگول آسین پالاسیوس^۵ از عان می‌کند که مبنی بر اینکه معادشناسی اسلامی در *کمدی الهی*، ریشه دوانیده و نیز آثاری چون *رساله الغفران* معری، *فتوحات مکیه* و سایر آثار ابن عربی که مملو از توصیفات معادشناسانه است بر دانته تأثیرگذار بوده است، که البته در ابتدا با

مخالفت‌هایی روبه‌رو شد، اما زمانی که مونوز^۶ و بویژه سرولی^۷ در مورد *معراج‌نامه* پژوهش‌های خود را ارائه دادند، رابطه دانته با سنت اسلامی، نه تنها در کلیات و اسلوب روایت، بلکه در جزییات نیز، بیشتر مشخص گردید. این کتاب توسط ابراهیم الفقویم طبیب یهودی، در عصر فرمانروایی آلفونسوی دهم (۷۶-۶۶۳ ه / ۷۷-۱۲۶۴ م) به لهجه کاستیلی ترجمه شده بود. سپس تحت عنوان *Liber Scalae Machometi* به لاتین و نیز به نام *Livre de l'eschiele Mahomet* به فرانسه‌ی کهن ترجمه شد. نکته مهم این‌جاست که شخصی به نام فاتیسیو دلی اوبرتی^۸ با این کتاب به خوبی آشنا بوده و این کتاب قرن‌ها در ایتالیا مورد مطالعه واقع شده بود. عزیز احمد معتقد است که تحریرهای متعددی از معراج محمد (ص) در اروپای قرن ۱۲ و ۱۳ وجود داشته است از جمله: *Codex of Un Castillo* و نیز گزارشی که رودریکو زیمنس^۹ در همین قرن داده بود. تحریر معروف‌تری نیز از معراج وجود داشت که متعلق بود به مبلغی اعزامی بنام ریکولدو از مونته کراسه به میان مسلمین شرق، که در سال ۱۲۹۱م از بغداد بازدید کرده بود. همچنین براساس معراج‌نامه لاتینی، روایت منظومی با عنوان *Dittamondo* اثر فاتیسیو دلی اوبرتی نیز قابل ذکر است که دانته به تحقیق با آن آشنایی داشته است (احمد، ۱۳۵۷: ۸۲۵-۸۲۲).

بوزانی به نقل از سرولی مبرهن کرده است که در زمان دانته در اروپا دو ترجمه، یکی به زبان لاتین و یکی به زبان فرانسوی قدیمی از کتاب عربی تحت عنوان کتاب *معراج* وجود داشته که هر دو اثر یک *notaire* ایتالیایی، موسوم به *Bonaventura Siena da* است و دانته حتماً آن اثر را شناخته و از آن برای کمدی الهی خود استفاده کرده است. اما کتاب *المعراج* عربی که متن اصلی آن از دست رفته است به نوبه خود در اسپانیای اسلامی منتشر شده و از طرف یک کلیمی، به امر پادشاه آلفونس دهم کاستیلیا از عربی به اسپانیولی قدیمی ترجمه شده بود. وی معتقد است که اگر دانته شکل ظاهری و ترتیب و وصف دنیای دیگر را از منابع اسلام ایرانی اقتباس نموده، به لحاظ روحی نیز تحت نفوذ ابن سینا قرار گرفته و ابن سینا را با وجود اینکه مسلمان

و از نظر وی کافر بوده، نخواستہ در جہنم بگذارند و در بین ارواح معتبر و عالی رتبه در قسمت برزخ قرار داده است (بوزانی، ۱۳۳۶: ۱۲۲). با وجود این تأثیرپذیری، لازم است اشارہای داشته باشیم بہ رسالہ *حی ابن یقظان* ابن سینا، کہ دعوتی بہ شرق است، فرستادہای کہ جہت را بہ او نشان می‌دهد، مراحل دشوار سفر بہ آنجا را توصیف و شرایط مبادرت بہ آن را طرح می‌کند و نہایتاً می‌گوید اگر می‌خواہی با من بیا. در این رسالہ «ابن سینا رویارویی خویش را با پیری زیبا و فرہمند و سالخورده بیان می‌کند و از او می‌خواهد تا راه را بہ او بنمایاند... در اینجا حی ابن یقظان همان نقش جبریل مہین فرستہ در مکاشفات دانیل، رافائیل یا میکائیل در مکاشفات خنوخ و... را ایفا می‌کند.» (کُربن، ۱۳۸۹: ۲۹۲-۲۹۱). رسالہ *الطیر ابن سینا*، نیز پاسخ بہ دعوتی است کہ در پایان *حی ابن یقظان* دریافت شدہ است، این رسالہ سفر بہ مشرق را تکمیل می‌کند...» (کُربن، ۱۳۸۹: ۳۱۸-۳۱۷).

۲.۳. شرحی بر کمدی الہی

منظومہ دانته آلیگیری^۱ (۱۳۲۱-۱۲۶۵م) در اصل *کمدی* بودہ است چرا کہ منظومہ از اندوہ آغاز می‌شود و بہ پایانی خوش می‌انجامد. الہی صفتی است کہ نسل‌های بعد بہ این منظومہ داده‌اند و از چاپ ونیزی (۱۵۵۵م) جولیتو بہ بعد جزیی از عنوان کتاب شدہ است. نخستین چاپ‌های اثر بہ سال ۱۴۷۲م باز می‌گردد؛ این کہ دانته دقیقاً در چه تاریخی منظومہ خود را سرودہ، مشخص نیست. اما استوارترین عقیدہ، شروع آن را تقریباً ۱۳۰۷م می‌داند (سید حسینی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۴۹۱-۳۴۹۰).

دانته در اواخر قرون وسطی چشم بہ جهان گشود. در اواسط این قرن (۱۲۴۱م) آلمان و ایتالیا ہنوز تحت حکمفرمایی واحد امپراتوران مقدس روم و ژرمن بودند ولی ایتالیا تلاش می‌کرد کہ خود را از زیر نفوذ آلمان‌ها بیرون بکشد. شہر فلورانس تقریباً از اوایل قرن ۱۳ بہ دو دستہ سیاسی رقیب تقسیم شدہ بود، یعنی دستہ گوئلف‌ها^{۱۱}، کہ ہواخواہ پاپ و آزادی ایتالیا از نفوذ آلمان بودند و خاندان دانته از آن‌ها بود و

دسته گیلین‌ها^{۱۲} که چندی پیش از فلورانس طرد شده و طرفدار امپراتوری مقدس روم و ژرمن‌ها بودند که ریاست آن‌ها با امپراتوری آلمان بود (آلیگیری، ۱۳۵۷: ۲۵-۲۲). او در دوران کودکی با بئاتریس^{۱۳} دختری از خانواده‌ای متمول آشنا شد. وی ده سال بعد نخستین نغمه‌های خود را برای وی سرود. اما اندکی بعد بئاتریس ازدواج کرد و مدت کوتاهی بعد بدرود حیات گفت. دانته، با ستایشی که در اشعارش از او کرد، او را تا به درجه الوهیت بالا برد. «دانته به شدت در تلاش بود تا ثابت کند که بئاتریس، معجزه‌ای روی زمین است... زیرا برای نگارش منظومه‌ای ماورای بشری، او به عشقی ماورای بشری نیز نیاز دارد...» (آلیگیری، ۱۳۸۲: ۲۷).

در سن ۳۰ سالگی دانته، شهر فلورانس دچار آشوب و جنگ داخلی شد و پاپ برای تحت امر در آوردن فلورانس و آشتی دادن دو خاندان مخالف هم، خاندان گوئلف‌ها و گیلین‌ها، نماینده‌ی خود را به فلورانس فرستاد، که موجب شدت جنگ و نزاع شد و دانته که مخالف پاپ بود، مجبور به ترک فلورانس شد و در غیابش، او را متهم به ارتکاب اعمال خلاف قانون ساختند. این وطن‌پرستی و مقاومت در برابر نیت سوء پاپ بر افکار دانته چنان تأثیرگذار بود که سراسر منظومه آثار آن مشهود است (مینوی، ۱۳۸۳: ۳۸). او در طبقه ششم دوزخ، با شیخ فاریناتا یکی از اشراف برجسته فلورانس در قرن ۱۳، که رییس دسته‌ی گیلین‌ها بود و گوئلف‌ها را از شهر بیرون رانده بود، ملاقات می‌کند. این فرد در نهایت از فلورانس طرد شد ولی بعدها با پسر نامشروع فدریک دوم پیمان اتحاد بست و به کمک او در جنگ خونین مونتاپرتی تمام توسکانا را تحت امر خود درآورد. بعد از فتح مونتاپرتی، رؤسای گیلین‌ها در شورایی نظامی و سیاسی تصمیم گرفتند که شهر فلورانس را کامل درهم بکوبند. ولی فاریناتا با این نظر مخالفت کرد. او در دوزخ این مطالب را به دانته گوشزد کرد: «در آن هنگام که جملگی تصمیم گرفتند فلورانس را از بیخ و بن ویران کنند، من تنها ماندم و فقط من بودم که بی‌پرده‌پوشی از این شهر دفاع کردم.» (آلیگیری، ۱۳۵۷: ۲۲۱).



مجتبی مینوی به نقل از کمدی الهی می‌گوید که از حلقه‌ی هفتم دوزخ چنان بوی تعفن مشمئزکننده برخاسته بود و بر مقبره‌ی بلندی نوشته بود: «پاپ آناستاسیوس در اینجا مدفون است که او را فونتئوس از راه راست منحرف گردانید.» و بدین ترتیب دانته تذکر می‌دهد که حتی پاپ و کاردینال و سایر پیشوایان بزرگ دین نیز از ارتداد مصون نیستند (مینوی، ۱۳۸۳: ۶۴).

دانته در طبقه مقدماتی دوزخ، جایگاه ابن الوقت‌ها، آنان که حتی امید به تغییر وضعیت خویش ندارند، به پاپ چلستینوی پنجم^۴ اشاره می‌کند که در ۵ ژوئیه ۱۲۹۴ به پاپی انتخاب شد ولی به خاطر خطیر و سنگین بودن این مسئولیت، استعفا داد و جای خود را به بونیفاتسیوی هشتم داد؛ کسی که از نظر دانته مظهر فساد، ناپاکی و آلودگی کلیسا بود. به همین دلیل دانته، چلستینو را در این طبقه محکوم می‌داند که خدا و مردمان، همه او را فراموش کنند: «... شبیح آن کس را دیدم و شناختم که از روی فرومایگی آن دریغ بزرگ را کرده بود... به یقین دانستم که این جمع، جمع بد نهادانی است که هم خدا از ایشان بیزار است و هم دشمنان خدا...» (آلیگیری، ۱۳۵۷: ۱۱۳). در طبقه سوم دوزخ، که شکم‌پرستان غرقه در منجلاب متعفن را به خود اختصاص داده است، دانته از زبان یکی از همشهریان خود بنام چیاکو^۵ که متهم به شکم‌خوارگی بود از عاقبت وضع ایتالیا و فلورنس سخن می‌گوید. «... که سرنوشت مردم این شهر پُر نفاق چیست و آیا هنوز هم منصفی در این شهر می‌توان یافت؟» او نیز از عاقبت شکست گیلین‌ها خبر می‌دهد: «... کار اینان به خونریزی خواهد کشید و فرقه‌ی جنگل آن فرقه‌ی دیگر را آزار بسیار خواهد رسانید...» (آلیگیری، ۱۳۵۷: ۱۶۲-۱۶۱). در همین جنگ و اختلاف‌ها بود که گوئلف‌ها خود به دو دسته‌ی سیاه و سفید تقسیم شدند و بر سر ریاست به مبارزه پرداختند و بدین‌گونه زمینه برای همکاری دسته سیاه با پاپ بونیفاتسیوی هشتم فراهم آمد و پیروز شدند و دانته که در دسته‌ی سفیدها بود به وسیله آن‌ها از شهر فلورانس رانده شد و دوران دربه‌دوری سختی آغاز کرد. این‌ها نمونه‌های اندکی از وقایع سیاسی- اجتماعی دوران انتهایی

قرون وسطی و به ویژه دوران زندگی دانته بود که شرح آن‌ها در کمدی الهی آمده است و بنا بر نیاز این پژوهش، اندکی از آن‌ها به اختصار بیان شد. دانته به کمک این وقایع تاریخی و نیز اساطیر برگرفته شده از گذشتگان خود مانند هومر و ویرژیل و ... و مباحثی برگرفته از ادیان الهی مسیحی، یهودی و اسلام دست به خلق چنین شاهکاری زده و به همه موارد مذکور جنبه‌ی عیسویت داده است.

۳. بررسی تطبیقی کمدی الهی و معراجنامه

کمدی الهی، یک اثر عالی فکری و فلسفی است. عصاره‌ای از علوم، اطلاعات، نظریات و عقاید فلسفی چند هزار ساله بشری است. اثری مسیحی کاتولیکی است که از ترکیب افسانه‌های اساطیری یونان و روم باستان با اعتقادات مسیحی و نیز با دانش از مسائل تاریخی - سیاسی زمان، آشنایی با معارف اسلامی خلق شده است، که آشنایی با **معراجنامه** یکی از آن دانش‌ها است. در این بخش، ذکر تشابهات دو اثر می‌تواند بر تأثیرپذیری دانته از **معراجنامه** صحه بگذارد. این تشابهات عبارت است از:

مرحله آغازین هر دو سفر، با راهنمایی عقل صورت می‌گیرد. چنان‌که در **کمدی الهی** ویرژیل^{۱۶} (مظهر عقل) و در معراج، جبرئیل این نقش را ایفا می‌کند. در ادامه سفر دانته از بهشت زمینی به فلک الافلاک، بنائت‌ریس که مظهر مجرد حقیقت الهی و نماد عشق است، راهنمایی دانته را تا بارگاه الهی یعنی «حقیقت مطلق» بر عهده دارد (دانته، ۱۳۵۷: ۱۱۳۲). در معراج نیز پیامبر (ص) پس از آنکه به سدره المنتهی رسید، حجاب‌هایی از نور دید و «... به اوج شهود باطنی و قرب الی‌الله و مقام «قاب قوسین او ادنی» رسید...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲۲: ۵۱۴).

در هر دو کتاب با طبقه‌بندی آسمان‌ها روبه‌رو هستیم. چنان‌که **قرآن** به صراحت در سوره‌های بقره/ آیه ۲۹، مؤمنون/ ۱۷، ملک/ ۳، نباء/ ۱۲، انبیاء/ ۳۳، صافات/ ۶، به هفت آسمان اشاره کرده است، در **معراجنامه** با آسمان‌های هفت‌گانه روبه‌رو هستیم. که به ترتیب پیامبر (ص) در آسمان اول؛ حضرت آدم، آسمان دوم؛ حضرت یحیی و



عیسی، آسمان سوم؛ یوسف، آسمان چهارم؛ ادريس، آسمان پنجم؛ هارون، در آسمان ششم؛ موسی و در آسمان هفتم ابراهیم را ملاقات کرده (قشیری، بی تا: ۳۱-۳۰) و پس از آن به پای سدره‌المنتهی و بعد به عرش الهی می‌رسد و پس از آن بهشت و دوزخ را می‌بیند. دانتته نیز آسمان بهشت را به نُه فلک تقسیم نموده که به ترتیب عبارتند از: فلک اول معادل ماه، دوم/ عطارد، سوم/ زهره، چهارم/ خورشید، پنجم/ مریخ، ششم/ مشتری، هفتم/ زحل، هشتم نیز فلک ثوابت و نهم فلک الافلاک. دانتته در فلک ثوابت، حضرت عیسی و مریم را ملاقات می‌کند و خطاب به مریم مقدس می‌گوید: «و همچنان، ای بانوی آسمان، در گردش خواهم بود تا تو در دنبال پسرت پای به فلک اعلی نهی و این فلک را ملکوتی‌تر کنی.» (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۳: ۱۴۵۹-۱۴۵۸).

دانتته در فلک چهارم فقها و متألّهین را ملاقات کرده و در فلک هشتم نیز حواریون پطرس، یعقوب و یوحنا را ملاقات می‌کند. در اینجا ضرورت ایجاب می‌کند تا به شباهت طبقه بندی افلاک دانتته و ابن عربی در «فتوحات مکیه» اشاره شود. ابن عربی در کتاب **فتوحات مکیه** / معاملات / باب ۱۶۷ / بند ۴۸ تا ۸۲، از عروج «صاحبنظر» و «تابع» به آسمانها، در سفر معنوی خویش، سخن آورده است. در آنجا نیز آسمان اول را معادل با قمر، آسمان دوم/ عطارد و محل ملاقات با عیسی و یحیی، آسمان سوم/ زهره و محل دیدار یوسف، آسمان چهارم/ خورشید و محل رویارویی با ادريس، آسمان پنجم/ مریخ و جایگاه هارون، آسمان ششم/ مشتری و محل دیدار موسی، آسمان هفتم/ زحل و محل دیدار با ابراهیم و پس از آن «تابع» به سدره المنتهی می‌رسد و سپس برای دیدار فرشتگان و ارواح ستارگان بالا رفته و به کرسی عرش می‌رسد و بعد از آن، همان جایگاه نور اعظم و عرش اعلی و... (ابن عربی، ۱۳۸۴: ۷۷-۴۸). همچنین می‌توان به این طبقه بندی‌های افلاک در **لیلی و مجنون، شرفنامه** و **هفت پیکر** نظامی نیز اشاره نمود. طبقه بندی افلاک در قطعه‌ای از **گلشن راز** شبستری عارف قرن ۷ هجری، که تقریباً هم‌زمان با **کمدی الهی** نوشته شده است، به خوبی آشکار است:

تفکر کن تو در خلق سماوات	که تا ممدوح حق گردی در آیات ...
بهفتم چرخ کیوان پاسبان است	ششم برجیس را جا و مکان است
بود پنجم فلک مریخ را جای	بچارم آفتاب عالم آرای
سیم زهره، دوم جای عطارد	قمر بر چرخ دنیا گشت وارد...

هر دو سفر، به مسائل اخلاقی از جمله حرص و آز، منافقان و پاشندگان بذر نفاق، ریاکاران و تظاهرکنندگان به دینداری، زنان بی‌عفت، شهوت‌ران، سبکسار و زناکار، تنگ‌چشمی‌ها و خساست‌ها، ریاکاران و چاپلوسان، متعدیان به خداوند و کسانی که از فرمان خداوند سرپیچی می‌کنند، زورگویان و ستمگران، خیانتکاران پرداخته‌اند (سگای، ۱۳۸۵: ۵۸-۴۵).

دانته سفر خویش را یک سفر جسمانی به عالم متافیزیک معرفی می‌کند و در طبقه

جدول تطابق عذاب‌های دوزخ بر اساس معراجنامه شاهرخی و کمدی الهی		
ردیف	کمدی‌الهی	معراجنامه شاهرخی
۱	شهوت پرستان	زنان سبک رفتار، بی‌عفت، زناکار
۲	خسیسان و مسرفین	تنگ چشمان، خسیسان در پرداختن زکات
۳	متجاوزان به اموال دیگران	غاصبان سهم یتیمان
۴	متعدیان به خدا و کفرگویان	سرپیچی کنندگان از دستورات خدا
۵	چاپلوسان و ریاکاران	چاپلوسان و ریاکاران
۶	نفاق افکنان	منافقان یا پاشندگان بذر نفاق
۷	مغروران	متکبران

پنجم دوزخ به این نکته اشاره می‌کند: «آن وقت راهنمای من به قایق فرود آمد و مرا نیز در کنار خود جای داد و فقط هنگامی اثر سنگینی در قایق نمودار شد که من

پای بدان نهادم» (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۸۸) و این بدان معناست که ویرژیل چون یک شیخ بود وزنی نداشت ولی دانتته با جسم سنگین خود وارد قایق شده است. پیامبر نیز در شب معراج، یک سفر جسمانی داشته است، که یکی از جنبه‌های اعجاز محسوب می‌شود.

یکی دیگر از شباهت‌ها، اشاره به درخت است. مثلاً دانتته در طبقه ششم برزخ با درختی روبه‌رو می‌شود که دیدار آن مایه تحریک اشتهای شکم پرستان و افزایش رنج کفاره آنان است. تنومندی این درخت با عظمت و سدره‌المنتهی همانند است. به نقل از مفسران «سدره درختی است بر بالای آسمان هفتم که بُن در عرش روییده است و شاخ و برگ آن بر سر تمام جهانیان گسترده شده، هر چه و رای آن هست، عالم غیب است و جز خدا نداند.» (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۲۸۶). دانتته در طبقه هفتم دوزخ، تجاوزکاران و متعدیان به نفس خویش را جای داده است، کسانی که خودکشی کرده‌اند و نیز کسانی که دارایی خویش را از راه تفریط از بین برده‌اند. ارواح آنان در جنگلی بنام «جنگل خودکشی» بسر می‌برند که در آن هر کدام از این ارواح بصورت درختی خشک درآمده است. این درختان در معرض تطاول پرنندگان شوم انسان شکی قرار دارند که شاخه‌های درختان را می‌شکنند (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۵۲). در *معراج‌نامه* نیز از درخت دوزخی «زقوم» یاد شده: آیا این برای پذیرایی بهتر است یا درخت زقوم؟* آن درختی است که در اعماق جهنم می‌روید* میوه‌اش گویی سرهای دیوان است* (صافات آیه ۶۲ الی ۶۶).

جدول تشابهات دو سفر		
ردیف	سفر دانته در کمدی الهی	سفر پیامبر (ص) در شب معراج
۱	راهنما در آغاز سفر (ویرژیل / نماد عقل)	راهنما در آغاز سفر (جبرئیل / مظهر عقل)
۲	راهنما از بهشت زمینی به بعد (بئاتریس / نماد عشق)	راهنما از سدره المنتهی به بعد (فقط پیامبر به کمک رُفَرَف)
۳	طبقه بندی آسمان (آسمان نُه گانه) و دیدار با حضرت مسیح و مریم (س)	هفت آسمان و روبه‌رویی با انبیاء پیشین
۴	طبقه بندی بر اساس سیارات	طبقه بندی بر اساس سیارات (در معراجنامه ابن سینا/ گلشن راز/ فتوحات مکیه/ آثار نظامی و ...)
۵	اشاره به مسائل اخلاقی در دوزخ	اشاره به مسائل اخلاقی در دوزخ
۶	خود دانته سفر خویش را جسمانی می‌داند	سفر جسمانی پیامبر (ص)
۷	اشاره به درخت تنومندی در طبقه ششم برزخ	اشاره به درخت تنومند سدره المنتهی
۸	اشاره به جنگل خودکشی در دوزخ/ ارواح به شکی درختی خشکیده درآمده‌اند	اشاره به درخت رَقُوم در دوزخ / میوه‌اش سرهای «دیوان»
۹	روبه‌رویی با ملائک در بهشت	روبه‌رویی با ملائک در بخش‌های گوناگون

در بخش برزخ و بهشت کمدی الهی با ملائک روبه‌رو هستیم. در مراحل گوناگون برزخ، فرشتگانِ راهنما مسیر حرکت را به ویرژیل و دانته نشان می‌دهند. مثلاً به زورق ارواح اشاره شده است که زورق‌بانِ آن فرشته‌ای است که از سوی خدا آمده است و ویرژیل به دانته می‌گوید: «زود، زود به زانو درآی، دستها را بر هم نه، که از این پس پیوسته این چنین صاحب منصبان را در برابر خویش خواهی داشت.»



(آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۲: ۵۹۴) و نیز در طبقه مقدماتی برزخ نمونه عالی سمبولیکی از وسوسه نفسانی و کمک الهی اشاره می‌کند که با زور آزمایی مار و فرشتگان تجلی می‌کند. همان ماری که حوا را فریفت: «و دیدم که از بالا دو فرشته با شمشیرهایی آتشین که نوکشان شکسته و از میان رفته بود سر بر آوردند و به سوی پایین آمدند...» (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۲: ۶۷۱). دانته، فلک الأفلاک را طبق عقاید مسیحی، کاملاً به فرشتگان اختصاص داده و آنان را به صورت حلقه‌هایی نُه‌گانه بر گرد نقطه‌ای فروزان که مظهر خداوند است نشان داده است (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۳: ۱۵۳۲-۱۵۳۱). در معراج رسول (ص) نیز در آسمان دوم پیامبر خود را در حضور بیست هزار لشگر از فرشتگان می‌یابد و بعد از آن که وارد آسمانی دیگر می‌شود باز هم فرشتگان برای خوشامدگویی به پیامبر آماده‌اند. در آسمان چهارم با گروه فرشتگان

جدول تفاوت‌های دو سفر		
ردیف	سفر پیامبر (ص) در شب معراج	سفر دانته در کمدی الهی
۱	فقط انبیاء الهی شناخته شده	شخصیت‌های دانته شناخته شده و برگرفته از مشاهیر تاریخ، اسطوره
۲	مدت زمانی کوتاه / هنگام برگشت هنوز بستر گرم بود	مدت زمان سفر (دوزخ / ۲۴ ساعت، برزخ / سه روز و نیم، بهشت / خارج از قلمرو زمان و مکان)
۳	عدم ارائه دقیق از مفهوم زمان و روز و شب	ارائه دقیق از مفهوم زمان و روز و شب (بجز بخش بهشت)
۴	مرکب سفر (ابتدای مسیر براق، ادامه مسیر رَفرَف)	مرکب سفر (اکثراً با پای پیاده، در کنار رودخانه از طریق زورق)
۵	عدم ارتباط مستقیم با ارواح / ارائه توضیحات توسط جبرئیل	ارتباط مستقیم با ارواح / سخن گفتن با ایشان
۶	همه مراحل سفر در عالم متافیزیک	دوزخ در اعماق کره زمین / برزخ روی زمین

	بهشت در آسمان (حرکت ابتدا رو به پایین/ در ادامه بسوی بالا)	(فقط حرکت از خانه پیامبر (ص) تا مسجد الحرام، حرکت زمینی، که چگونگی آن دقیقاً نامعلوم است)
۷	شرح وقایع بر مبنای دانش زمان به صورت شعر	دیدن وقایع با چشم واقعی
۸	اهداف: هدایت انسان‌های زمان خویش / آگاهی آنان از خشم آسمان نسبت به دستگاه فساد/ آگاهی از زندگی افراد/ رسیدن به کمال و تزکیه	اهداف: ارائه آیات الهی/ احاطه عینی و شهودی به حقایق پدیده‌ها/ کشف اسرار الهی/ رسیدن به عین الیقین/ رسیدن به درجه کمال / ارتقاء کمال بشری و...
۹	اشاره به مسائل سیاسی - تاریخی کشور و شهر، دوره قرون وسطی	عدم اشاره مستقیم به مسائل سیاسی - تاریخی
۱۰	ارائه دقیق ساختار جغرافیایی مسیر حرکت و اشارات نجومی بطلمیوسی	عدم ارائه ساختار جغرافیایی مسیر حرکت
۱۱	عدم اعجاز سفر	اعجاز سفر
۱۲	استفاده از آتش در برخی از بخش‌ها برای عذاب ارواح	آتش جزء اساسی عذاب در همه بخش‌های دوزخ

ستایشگر خداوند روبه‌رو می‌شود. ابن سینا در معراجنامه خویش آورده است: «... چون به آسمان سوم اندر رسیدم ملکی دیدم که مثل او اندر جمال و اندر حس ندیده بودم. شاد و خرم نشسته بر کرسی از نور و ملائکه گرد بر گرد او اندر آمده...» و در ادامه هنگامی که از فلک هفتم می‌گذرد می‌گوید: «... چون اندر گذشتم رسیدم به سدره عالمی دیدم پر نور و ضیاء ... بر چپ و راست همه فرشتگان روحانی دیدم به عبادت مشغول...» (ابن سینا، ۱۳۴۴: ۱۰۶)؛ در این‌جا ابن سینا نیز طبقه بندی افلاک را با سیارات همراه کرده است.



تفاوت‌های بین دو سفر: شخصیت‌های کم‌دی الهی اغلب چهره‌هایی از مشاهیر زمانه‌اند. افرادی چون افلاطون، ارسطو، ابن رشد، ابن سینا. دانت به ذکر ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آنان پرداخته و گاه نیز به وقایع تاریخی کشور و شهر خود، فسادهای اخلاقی، بی‌عدالتی‌ها... و وقایع قبل از آن اشاراتی می‌کند. مثلاً در سرود هفدهم بهشت، با جد اعلا خود کاچاگویدا روبه‌رو می‌شود و شرحی از اوضاع سیاسی چندین ساله فلورانس ارائه داده و پیشینه خانواده‌های فلورانس را از زبان جد خویش بیان می‌کند (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۳: ۱۳۳۱). در معراج پیامبر (ص) اغلب با یک بیان کلی، به شرح وقایع پرداخته شده است. به استثنای زمانی که پیامبر (ص) در مسجد الاقصی با ارواح انبیاء بزرگ الهی مانند ابراهیم، موسی و عیسی و... ملاقات کرده و نماز جماعت برگزار می‌کنند، در جایی دیگر اسمی از شخصی خاص برده نشده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲۲: ۵۱۳).

مدت زمان سفر معراج پیامبر (ص) چنان کوتاه بود که در زمان برگشت بسترش همچنان گرم بود و کاسه‌ای که وقت حرکت وارونه شده بود، هنوز نمناک بود (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۱۳۱). اما سفر دوزخ دانت ۲۴ ساعت (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۷۹) سفر برزخ نیز سه روز و نیم (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۲: ۵۷۷) به طول انجامید. دانت در بهشت نیز از قلمرو زمان و مقیاس بیرون رفته و وارد ابدیت شده بود. فقط در سرود اول بهشت اشاره مبهمی به زمان شده است: «... در آن‌جا بامدادان بود و در این‌جا شامگاهان...» (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۳: ۱۱۳۱-۱۱۳۲).

در شب معراج، «بُراق» نخستین مرکب بود، که حضرت را تا سدره‌المنتهی برد و از آن‌جا «رَفَرَف» به انجام وظیفه پرداخت. در روایت آمده: «... سپس برده شدم تا این‌که در زیر عرش قرار گرفتم. برای من فرش سبزی آماده شد... سپس «رَفَرَف» مرا، با اذن خدا، به سوی پروردگار برد...» (ادیب بهروز، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۲). یعقوبی درباره «بُراق» آورده است: «... براق کوچکتر از آستر و بزرگتر از درازگوش بود، دو گوش او پیوسته در اضطراب و حرکت داشت...» (یعقوبی، ۱۳۴۲، ج ۱: ۳۸۲). اما

دانته بیشتر مسیر را به همراه ویرژیل و پیاده طی می‌کرد. تنها برای عبور از رودخانه سوار بر قایق شدند. آن‌ها در طبقه هفتم دوزخ نیز بر پشت یک «عفریت» سوار شدند: «... از این پس ما همواره با این چنین نردبان‌ها پایین خواهیم رفت» (دانته، ۱۳۵۷، ج ۱: ۳۰۷).

دانته در این سفر، خودش مستقیماً با ارواح مردگان در ارتباط بود و با آن‌ها صحبت می‌کرد، حتی برخی از آن‌ها از او طلب کمک می‌کردند و در اصل هدفش کسب اطلاعات از زندگی دنیوی افراد و سرگذشت آن‌ها بود. اما پیامبر (ص) به اذن خداوند دوزخ و برزخ و بهشت را مشاهده می‌کرد و توضیحات را از زبان جبرئیل دریافت می‌کرد، به جز آن زمان که به دیدار پیامبران الهی نائل شده بود.

دانته، ساختار جغرافیایی و نقشه دقیقی از پیچ و خم‌ها و گذرگاه‌های صعب‌العبور ارائه می‌دهد. گاهی نیز اشاره به مشخصات نجومی دارد، به ویژه برای تعیین زمان به وضع ستارگان و خورشید و منطقه البروج متوسل می‌شود؛ که برای درک این اشارات نجومی، باید با علم و فرضیه هیأت بطلمیوسی رایج در زمان وی آشنایی داشت (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۲: ۵۵۵). در معراج، اطلاعات دقیق از چگونگی حرکت و جغرافیای مسیر، ارائه نشده است. مسیر دانته در دوزخ، رو به پایین به سوی مرکز کره خاکی، سپس از کوه برزخ رو به بالا به سوی بهشت زمینی و در نهایت از بهشت زمینی به طبقات آسمان، سیر صعودی دارد. در حالی‌که حرکت پیامبر در شب معراج، به جز مسیر خانه تا مسجدالحرام، مابقی سیر بسوی آسمان‌ها و رو به بالاست. پیامبر (ص) تمامی وقایع را دقیقاً با چشم خویش مشاهده کرده بود، ولی سروده دانته در اصل بر مبنای دانش مذهبی، سیاسی، تاریخی، اسطوره‌ای وی و از تصورات شاعرانه‌اش نشأت می‌گیرد.

این دو سفر، اهداف متفاوتی داشتند. اعجاز سفر معراج رسول الله قطعی است و اهداف این سفر به نقل از محققین، عبارت است از: ارائه آیات الهی، احاطه عینی و شهودی به حقایق پدیده‌ها، کشف اسرار آفرینش، رسیدن به درجه کمال و مقام



محمود، نشان دادن رحمت بی‌دریغ پروردگار و... (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۵۳۳-۴۹۹).

در کمدی الهی به مسائل سیاسی- مذهبی زمان اشاره شده است. از جمله در آسمان هشتم بهشت، فلک ثوابت، از زبان پطرس بنیانگذار کلیسا، خشم آسمان نسبت به فساد دستگاه روحانیت و انحطاط ایمان در روی زمین اشاره شده و به دانتته مأموریت داده شده تا پس از بازگشت به دنیای زندگان، جهانیان را از این خشم و نفرت علیه دستگاه روحانیت آگاه کند (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۳، ۱۵۲۱) لیکن در معراج پیامبر (ص) چنین نیست.

فقط در بخش‌هایی از دوزخ دانتته با عذاب آتش مواجه هستیم: در طبقه ششم، زندیقان در گورهای پهناور شعله‌ور در آتش قهر خداوندی خفته‌اند. در منطقه‌ی متجاوزین به دیگران نیز، رودخانه‌ای جوشان از خون جاریست. متجاوزین به خدا نیز زیر باران آتش قرار دارند. دانتته یکی از دانشمندان زمان خویش را می‌بیند که به دانتته می‌گوید: «... هر کس از جمع ما دمی برجای ایستد ناگزیر باید صد سال پس از آن بر روی زمین خفته ماند و در زیر باران آتش از جای نجنبد.» (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۸۲). در طبقه هشتم نیز حیل‌گران و فروشندگان اموال روحانی، مشاورین مزور... درون حفره‌های شعله‌ور فرو رفته‌اند. جایگاه دزدان و حیل‌گران، شعله‌های آتشی بود که از گودال بزرگی زبانه می‌کشید (آلیگیری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۴۱۶) بقیه عذاب‌های دوزخ و برزخ کمدی الهی عبارتند از: ظلمت و محکوم به فراموشی، محرومیت ابدی از امید، طوفان ابدی، منجلاب متعفن، وزنه‌های سنگین، چنگک‌های تیز شیطان، ماران و افعیان، تشنگی مفرط و بیماری استسقا، بیماری‌های نفرت‌انگیز، یخ جاودانی، و... اما در معراجنامه در بخش دوزخ آتش جزء اساسی عذاب‌هاست و در همه جا و در کنار دیگر عذاب‌ها دیده می‌شود.

نتیجه

با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی دو دوره‌ی مورد بررسی در این پژوهش، مشخص گردید که جهل، فشارهای سیاسی دستگاه‌های حاکم، جمع شدن قدرت و ثروت در دست عده‌ای قلیل، نابسامانی زندگی عموم مردم، رواج عادات زشت و وحشیگری و غیره، همگی عوامل تأثیرگذار بر انحراف جوامع بشری است و برای بهبود وضعیت حاکم و اصلاح نظام حکومتی و دینی، در هر دو دوره، انسانی وارسته مأمور شد تا جهت ارشاد مردم و اصلاح حکومت و جامعه و رفع انحرافات، با سفر به دنیای پس از مرگ و دیدن عذاب‌های دوزخ و پاداش‌های بهشت، یافته‌های خویش را برای رستگاری مردم عرضه نماید. با این تفاوت که سفر معنوی پیامبر (ص)، در اصل مأموریتی از جانب خداوند متعال و از معجزات آن حضرت به شمار می‌آید.

با توجه به گسترش اسلام در اروپای درگیر اختلافات قرون وسطی و ترجمه کتب عربی به لاتین و پس از آن به زبان‌هایی چون فرانسوی و اسپانیایی و ایتالیایی که موجب رواج علم و حتی فلسفه یونانی در اروپا شد و نیز شکل‌گیری مرکز مطالعات اسلامی در اسپانیا و برقرار شدن ارتباط بین مسلمانان و مردم دیگر کشورهای اروپایی و حمایت برخی از حاکمین اروپایی از اسلام و فرهنگ مسلمانان، نمی‌توان تأثیر اسلام را انکار کرد و این ادعا که شعر و ادب اروپای قرون وسطی تحت تأثیر اسلام بود، گزاف نیست. در این پژوهش جنبه‌های برخورد میان ادبیات سایر ملل و روابط تاریخی و تأثیر و تأثر آن‌ها و نیز نقاط وحدت فکری آن‌ها آشکار شد. دانته به خاطر علاقه زیاد به مطالعه علوم و به وسیله ترجمه‌های لاتینی، با علوم اسلامی آشنا بود. وی با نبوغ خویش دست به خلق شاهکار ادبی خویش زد. طبق مقایسه‌های تطبیقی که بین این دو اثر صورت گرفت، شباهت‌های فراوانی میان آن‌ها آشکار شد. شاید نتوان گفت وی تنها تحت تأثیر معراج‌نامه و دیگر کتب اسلامی با موضوع معراج، شاهکار خویش را سروده است، ولی تأثیرپذیری از آن‌ها را نیز به طور قطع نمی‌توان رد کرد.



پی نوشت

۱. آیه ۳۳ سوره اسراء اشاره دارد به اینکه به اموال یتیم نزدیک نشوید. و در آیه ۳۱، زناء را حرام کرده است.
۲. La Divina Commedia
۳. کاتارها از فرقه‌های پیرو مذهب مانویان هستند که توسط کلیسا که معتقد به سه گانگی پدر و پسر و روح القدس بود، ملحد شناخته شدند.
۴. Ricoldo da Monte Croce
۵. Miguel Asin Palacios
۶. Munoz
۷. Serulli
۸. Fazio degli Uberti
۹. Rodrigo Xime'nez
۱۰. Dante Alighieri
۱۱. Guelfi
۱۲. Ghibellini
۱۳. Beatrice Portinari
۱۴. Celestino
۱۵. Ciacco، که برخی از محققین او را از صرافان معاصر دانته و برخی نیز او را از شاعران همعصر او می‌دانند. (آلیگیری، ۱۳۵۷: ۱۶۱)
۱۶. Virgilio

منابع

- آلیگیری، دانته. (۱۳۵۷). *کمدی الهی*. شجاع الدین شفا. جلد ۱ و ۲ و ۳. تهران: نشر امیر کبیر.
- آلیگیری، دانته. (۱۳۸۲). *زندگانی نو*. فریده مهدوی دامغانی. تهران: مؤسسه نشر تیر.
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۷۰). *تاریخ کامل*. سید محمد حسین روحانی. جلد دوم، تهران: نشر اساطیر.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد. (۱۳۸۳). *العبر: تاریخ ابن خلدون*. عبدالمحمد آیتی. جلد یکم، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن سینا. (۱۳۴۴). «معراج نامه». مهر. شماره ۱۱۸. ص ۹۷ تا ۱۰۸.
- ابن عربی، شیخ اکبر محی الدین. (۱۳۸۴). فتوحات مکیه. محمد خواجه‌جوی. معاملات/باب ۱۶۲ تا ۱۸۸. تهران: نشر مولی.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام. (۱۳۸۳). سیرت رسول الله [ترجمه سیرت ابن اسحاق] از روایت عبدالملک ابن هشام. رفیع الدین اسحاق ابن محمد همدانی. تهران: نشر مرکز.
- احمد، عزیز. (۱۳۵۷). «انتقال میراث فرهنگی اسلام از طریق سیسیل به ایتالیا». نقی لطفی با همکاری محمد جعفر یاحقی. فصلنامه جستارهای ادبی، شماره ۵۷. ص ۸۱۱ تا ۸۲۶.
- ادیب بهروز، محسن. (۱۳۸۷). معراج از دیدگاه قرآن و روایات. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- القشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (بی تا). کتاب المعراج. أخرجه و حقه من دکتر علی حسن عبدالقادر. باریس: دار بیبلیون.
- بورکهارت، یاکوب. (۱۳۷۶). فرهنگ رنسانس در ایتالیا. محمد حسن لطفی. تهران: نشر طرح نو.
- بوزانی، الساندرو. (۱۳۳۶). «ایران و اسلام و ایتالیا در قرون وسطی». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۱ و ۲. سال پنجم. ص ۱۱۱ الی ۱۲۴.
- تستا، گی و تستا، ژان. (۱۳۷۹). تاریخ تفتیش عقاید. غلامرضا افشار نادری. تهران: نشر جامعه ایرانیان.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۶). سیره رسول الله. قم: نشر دلیل ما.
- دشت گل، هلناشین. (۱۳۸۳). «متن نوشتاری نسخه معراج نامه میر حیدر». کتاب ماه هنر. شماره ۷۱ و ۷۲. ص ۶۸ تا ۷۷.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۷۶). تاریخ تحولات اجتماعی. جلد اول. تهران: نشر نگاه.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۸۴). زندگانی حضرت محمد(ص). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سایکس، سر پرسی. (۱۳۸۰). تاریخ ایران. سید محمد فخر داعی گیلانی. جلد اول. تهران: نشر افسون.

- سبجانی، جعفر. (۱۳۷۸). *تاریخ اسلام: زندگانی پیامبر خاتم (ص)*. قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۰). *جان‌های آشنا*. تهران: نشر توس.
- سگای، ماری رز. (۱۳۸۵). *معراجنامه*. مهناز شایسته فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- سمسار، محمد حسن. (۱۳۷۷). *دایره المعارف بزرگ اسلامی*. جلد هفتم. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی ایران.
- سیدحسینی، رضا و دیگران. (۱۳۸۲). *فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز)*. به سرپرستی رضا سیدحسینی. جلد پنجم. تهران: نشر سروش.
- کرین، هانری. (۱۳۸۹). *ابن سینا و تمثیل‌های عرفانی*. انشاءالله رحمتی. همدان: نشر سوفیا.
- کفافی، عبدالسلام. (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی*. سید حسین حسینی. مشهد: نشر قدس رضوی.
- گروبر، کریستی. (۱۳۸۵). «بررسی معراجنامه‌های فارسی». *گزارش میراث*. دوره دوم. شماره ۳. ص ۹ تا ۱۱.
- محمدی شاهرودی، عبدالعلی. (۱۳۷۹). *معراج در آئینه استدلال*. تهران: نشر اسوه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۱). *تفسیر نمونه*. جلد ۱۲. تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۸۵). *تفسیر نمونه*. جلد ۲۲. تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
- مینوی، مجتبی. (۱۳۸۳). *پانزده گفتار*. تهران: انتشارات توس.
- هونکه، زیگرید. (۱۳۸۳). *فرهنگ اسلام در اروپا*. مرتضی رهبانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- یعقوبی، احمدابن ابی یعقوب. (۱۳۴۲). *تاریخ یعقوبی*. محمدابراهیم آیتی. جلد یکم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

